

## رابطه سبک های فرزندپروری با اعتیاد به اینترنت: نقش واسطه‌های هوش اخلاقی

دکتر سمیه کشاورز<sup>۱\*</sup>، مهدی پرداختی<sup>۲</sup>، دکتر علیرضا کااوند<sup>۱</sup>

۱. گروه روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۲. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸)

### چکیده

**زمینه:** در دنیای دیجیتال امروز، به نظر می‌رسد که مرز بین استفاده از تکنولوژی و سوء استفاده از آن به باریکی یک تار مو باشد. بسیار فراوانند افرادی که عادات افراطی اینترنتی و رفتارهای نابهنجار اخلاقی دارند. پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌های هوش اخلاقی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با اعتیاد به اینترنت دانشجویان استان قزوین انجام شد.

**روش:** روش پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های استان قزوین در سال ۹۸ بود که از میان آنها نمونه‌ای با حجم ۲۷۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردید. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲)، اعتیاد به اینترنت یانگ (۲۰۱۱) و هوش اخلاقی لینک و کی‌یل (۲۰۱۱) بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، شامل شاخص‌های جمعیت شناختی و آمار استنباطی، شامل الگوی تحلیل مسیر و آزمون سوبل، تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که هوش اخلاقی بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده دانشجویان و اعتیاد به اینترنت آنها نقش میانجی دارد. بدین معنا که هوش اخلاقی با سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهلگیرانه و اعتیاد به اینترنت رابطه معکوس معنادار، و با سبک فرزندپروری مقتدرانه (دموکراتیک) و عدم اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت معنا دار دارد. همچنین مدل ارائه شده برای تعیین رابطه متغیرهای پژوهش از برازش مطلوب برخوردار بود.

**نتیجه گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهش میتوان نتیجه گرفت که آموزش و ارتقاء سطح هوش اخلاقی می‌تواند به عنوان یک روش پیشگیری و یا حتی یک روش درمانی در قالب تکنیک‌های درمان شناختی-رفتاری برای اعتیاد اینترنتی مورد استفاده قرار گیرد.

**کلیدواژه‌گان:** سبک‌های فرزندپروری، اعتیاد به اینترنت، هوش اخلاقی.

### سر آغاز

همچنین در سالهای اخیر، دانشمندان شواهدی را به دست آورده‌اند که بر اساس آن رابطه بین سبک فرزندپروری و استفاده از اینترنت کودکان مشخص شده است. سبک‌های فرزندپروری والدین، توسط مجموعه‌ای از نگرش‌ها و رفتارهایی که والدین به فرزندان ارائه می‌کنند، تعریف شده است (۳). نتایج مطالعات نشان داد است که یک رابطه معکوس بین عاطفه و گرمی خانواده با میزان استفاده از اینترنت وجود دارد (۴) و (۵). سبک‌های فرزندپروری<sup>۳</sup> بر جنبه‌های مختلف رشدی فرزندان، مانند رشد اخلاقیات، تاثیر می‌گذارد. یکی از ابعاد رشد و تحول، که از دوران کودکی تا سال‌های بزرگسالی، در کنار دیگر ابعاد رشدی، شکل می‌گیرد، رشد اخلاقی کودکان است که موجب شکل‌گیری هوش اخلاقی<sup>۴</sup> می‌گردد. به اعتقاد دانشمندان این حوزه، هوش اخلاقی توانایی تشخیص و تمیز درست از نادرست است (۶).

همزمان با دسترسی گسترده افراد به اینترنت، نوع جدیدی از اعتیاد یعنی «اعتیاد اینترنتی»<sup>۱</sup> به وجود آمده است که معضل خاص عصر فناوری و اطلاعات است. مانند دیگر اعتیادها، اعتیاد اینترنتی نیز نشانه‌هایی همچون، اضطراب، افسردگی، کج خلقی، بی‌قراری، افکار وسواسی و یا اشتغال ذهنی راجع به اینترنت دارد. این مسئله، تغییر در خلق و خو، عدم توانایی در کنترل مدت زمان صرف شده با اینترنت، علائم ترک<sup>۲</sup> در هنگام مشغول نبودن به آن، کاهش کیفیت زندگی اجتماعی و اثرات نامطلوب و یا پیامدهای تحصیلی با خود به همراه دارد و همچنین بر عزت نفس آنها تأثیر می‌گذارد (۱). در کشورهای شرق آسیا مانند چین این مشکل شناسایی شده است و هم اکنون "کلینیک‌های ترک اعتیاد" برای درمان چنین مشکلات رفتاری وجود دارد (۲).

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: s.keshavarz@soc.ikiu.ac.ir



نوجوانان همبستگی مثبت داشت (۱۰). در سال ۲۰۱۷ در مطالعه‌ای در کشور اسپانیا مشخص شد که ۹۵٪ دانشجویان اسپانیایی به اینترنت دسترسی دارند و اینترنت بیشترین زمان اوقات فراغت آنها را به خود اختصاص داده است. محققان اسپانیایی با تجزیه و تحلیل تجربی داده‌ها، به این نتیجه دست یافتند که سبک فرزندپروری سهل‌گیر، رابطه‌ی معناداری با اعتیاد به اینترنت جوانان دختر و پسر دارد. همچنین برای نوجوانان پسر، اعتیاد به اینترنت به ترکیبی از سبک‌های فرزندپروری مختلف ناشی از ناسازگاری و تناقض بین والدین نیز مربوط می‌شود (۱۱).

همچنین در هنگ کنگ، در یک مطالعه بر روی ۲۰۲۱ نفر از نوجوانان، محققان به بررسی نقش کارکرد خانواده و رویکردهای فرزندپروری والدین و رابطه آنها با اعتیاد به اینترنت اقدام نمودند. نتایج نشان داد ۲۵/۳ درصد از نوجوانان، به اینترنت اعتیاد داشتند و رگرسیون لجستیک<sup>۱۱</sup> معتقد بود، اعتیاد در آنها، ناشی از زندگی در خانواده‌های طلاق گرفته، خانواده‌های کم درآمد، خانواده‌های پرخاشگر و خانواده‌های بسیار ناکارآمد، می‌باشد. جالب توجه است که این پژوهش عنوان می‌کند که نوجوانانی که میزان و نحوه‌ی استفاده از اینترنت آنها با خشونت و اجبار والدین محدود می‌شود، تقریباً ۱/۹ برابر احتمال ابتلا به اعتیاد اینترنتی در آنها بیشتر از نوجوانانی است که استفاده آنها از اینترنت محدود نشده است (۱۲).

معضل اعتیاد به اینترنت و انواع آن، در طبقه‌بندی اختلالات روانی در آخرین نسخه‌ی کتابچه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی<sup>۱۳</sup> قرار نگرفته است و هنوز به عنوان یک اختلال مشخص به رسمیت شناخته نشده است. با این حال، بر اساس نتایج سوابق پژوهشی، مشخص گردید که این اختلال وجود داشته و علائمی مانند دیگر انواع اعتیاد دارد، و خانواده در ایجاد یا عدم ایجاد آن موثر است و از آنجا که پژوهش‌ها نشان داده اند، مؤلفه‌های هوش اخلاقی با بروز رفتارهای اخلاقی رابطه معنادار دارد، بنابراین، هوش اخلاقی می‌تواند نقش کلیدی در شکل‌گیری اعتیاد اینترنتی ایفا نماید (۱۳).

در نتیجه این تحقیق بر خلاف دیگر پژوهش‌های مشابه، تنها به بررسی وجود رابطه بین شیوه‌های تربیتی و اعتیاد نمی‌پردازد، بلکه با تمرکز بر متغیر هوش اخلاقی، آن را به عنوان یک متغیر میانجی در میان متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و اعتیاد به اینترنت قرار داده تا به بررسی این مسئله بپردازد که آیا رشد مؤلفه‌های هوش اخلاقی جوانان تحت شیوه‌های فرزندپروری، می‌تواند از بروز رفتارهای نابهنجار و اختلالاتی همچون اعتیاد اینترنتی جلوگیری نماید؟ و یا به عبارت دیگر، آیا می‌توان با آموزش و ارتقاء مؤلفه‌های هوش اخلاقی، یک عامل پیشگیرانه و یا حتی یک روش درمانی برای معضل اعتیاد به اینترنت تعریف نمود؟

برای پاسخ به این سوالات، فرضیه‌ی پژوهشی بدین صورت تدوین شد که آیا هوش اخلاقی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و اعتیاد به اینترنت نقش واسطه‌ای دارد؟ به دلیل وجود یک متغیر میانجی در فرضیه، مدل زیر برای نشان دادن رابطه بین متغیرهای این پژوهش

به عبارت دیگر، فردی به عنوان دارنده‌ی هوش اخلاقی تعریف می‌شود که از باورهای اخلاقی راسخ و قوی برخوردار باشد، دارای ظرفیت‌های شناختی<sup>۵</sup> برای تشخیص درست از نادرست باشد و در نهایت قدرت، اراده و توانایی عمل کردن و پیاده‌سازی آنها را در زندگی شخصی و اجتماعی خود نیز داشته باشد. هوش اخلاقی به توانایی اعمال اصول اخلاقی در اهداف شخصی، ارزش‌ها و فعالیت‌های فرد اشاره دارد و به مفهوم داشتن ظرفیت و توانایی درک و تمیز خوب از بد است. هوش اخلاقی شامل گستره‌ی فرا شناختی<sup>۶</sup> یا فرا عملی<sup>۷</sup> است که واکنش شناخت‌ها، نگرش‌ها و فعالیت‌های اخلاقی را در چارچوب سیستم‌های ارزشی فردی امکان پذیر می‌سازد. هوش اخلاقی، یک هوش حیاتی برای همه انسان هاست و نقطه‌ی عطفی برای تمام هوش‌ها محسوب می‌شود، زیرا هوش اخلاقی اشکال دیگر هوش را به سمت انجام کارهای ارزشمند و مثمرتر دیگر هدایت می‌کند (۶).

در پژوهشی رابطه هوش اخلاقی با سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های شخصی ۱۲۰ نفر از زنان متأهل شهر آباد طشک که حداقل ۵ ال ۱۰ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین هوش اخلاقی با سبک فرزندپروری مقتدرانه<sup>۸</sup>، رابطه‌ی مستقیم معنادار وجود دارد، همچنین از میان سبک‌های فرزندپروری، سبک مقتدرانه به طور معنی‌دار قادر به پیش‌بینی مثبت هوش اخلاقی است (۷). در پژوهش دیگری، پژوهشگر به پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین و سبک رهبری معلم در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان کوه‌دشت، پرداخت. نتایج نشان داد بین شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه و اعتیاد به اینترنت در دانش‌آموزان، رابطه‌ی منفی معنادار و بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه<sup>۹</sup> با اعتیاد به اینترنت، رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد (۸).

در کشورهای توسعه یافته و تکنولوژیک شرق آسیا مانند کره جنوبی، مالزی و چین که در سال‌های اخیر به شدت با معضل اعتیاد به اینترنت دست و پنجه نرم کرده‌اند، محققان و متخصصان این حوزه، با انجام مطالعه و پژوهش‌های فراوان، تجارب زیادی در این زمینه به دست آورده‌اند. به گفته محققان، هم اکنون زمان یکپارچه‌سازی اقدامات پیشگیرانه و زمان بررسی دقیق‌تر وضعیت بالینی اعتیاد به اینترنت به منظور ساخت و استفاده از ابزارهای ارزیابی روانشناختی قوی‌تر و همچنین ساخت برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر شواهد روش شناختی می‌باشد (۹).

در کشور چین در یک فرا تحلیل<sup>۱۰</sup> هفتاد و نه پژوهش انجام شده بر روی رابطه‌ی شاخص‌های مثبت و منفی سبک‌های فرزندپروری والدین و اعتیاد به اینترنت ۴۴۶۵۰ نوجوانان چینی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج فراتحلیل آنها نشان داد که بین شاخص‌های مثبت سبک فرزندپروری والدین (مانند گرمی، صمیمیت، احترام، مطالبه‌گری، پاسخگویی و...) با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان همبستگی منفی وجود داشت. همچنین بین شاخص‌های منفی سبک فرزندپروری والدین (مانند استبداد، خشونت، غفلت و...) به طور معناداری با اعتیاد به اینترنت

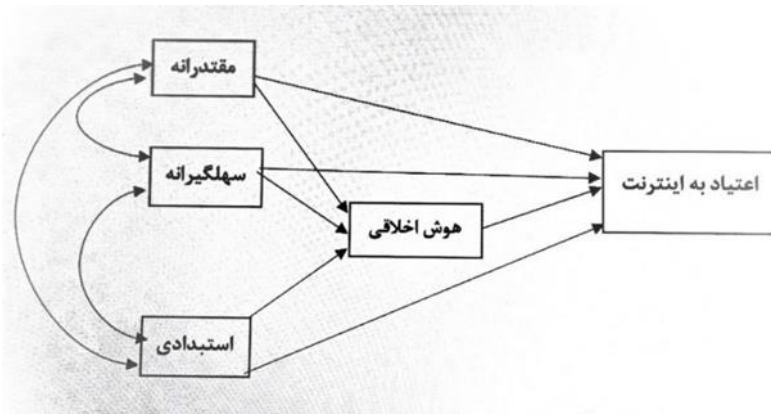
دکتر سمیه کشاورز و همکاران: رابطه سبک های فرزندپروری با اعتیاد به اینترنت: نقش واسطه‌ای هوش اخلاقی

علمی، در جهت شناسایی و ریشه‌یابی این ناهنجاری‌ها و کشف رابطه‌های موجود بین آنها و تشخیص تاثیرات این عوامل بر یکدیگر، احساس می‌شود. در ایران امروز، باید با مطالعه‌ی بیشتر در باب پیشگیری و درمان اختلالات مرتبط با فناوری، در جهت رشد و ارتقاء نظام تربیتی و آموزشی در خانواده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و در تمام سطوح دیگر جامعه، قدمی مثبت و تاثیرگذار برداشت.

بنابراین، تحقیق و بررسی بر روی رابطه‌ی میان روش‌های تربیتی والدین در دوران کودکی نسل جوان و میزان و نوع استفاده آنها از فناوری، و پی بردن به نقش هوش اخلاقی بین دو متغیر دیگر، بسیار ضروری است. زیرا میتوان با کمک گرفتن از روش‌های تقویت مؤلفه‌های هوش اخلاقی که نوعی هوش اکتسابی و قابل آموزش است، از آن به عنوان روش‌های پیشگیری و یا درمان رفتارهای ناهنجار سایبری بهره گرفت و در نهایت سازگاری بیشتری با دنیای مجازی نوظهور ایجاد نمود.

ارائه گردید و سپس این پرسش نیز مطرح شد که آیا مدل ارائه شده برای رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با اعتیاد به اینترنت به میانجگری هوش اخلاقی از برآزش مدل برخوردار است؟

همزمان با افزایش محبوبیت انواع فناوری، اینترنت و فضای مجازی، به ویژه در میان بومیان دیجیتال<sup>۱۳</sup>، شاهد رفتارهای ناهنجار بسیار زیادی در این فضا هستیم. رفتارهایی مانند قلدری‌ها و پرخاشگری‌های مجازی، توهین‌های جنسیتی، قومی، مذهبی و نژادی، به اشتراک گذاشتن رفتارهای ناهنجار و غیراخلاقی به صورت عکس و ویدئو، وابستگی به بازی‌های ویدئویی و آنلاین، کلاهبرداری و سودجویی، قمار و شرط بندی، بی‌خوابی‌های شبانه برای گشت و گذار در فضای مجازی، شب خوابیدن و قرار دادن تلفن همراه در نزدیک خود حتی قرار دادن آن زیر بالش، ارسال پیامک حین رانندگی، و پیامدهایی ناشی از آنها مانند افزایش سطح استرس، اضطراب، آسیب‌های مغزی و روانی، تصادفات رانندگی به دلیل حواسپرتی و یا خودکشی به دلیل انجام برخی بازی‌های اینترنتی. اکنون که به واسطه‌ی فناوری و فضای مجازی با چنین معضلاتی روبرو هستیم، بیش از پیش نیاز به پژوهش و مطالعات



نگاره ۱: مدل رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با اعتیاد به اینترنت؛ نقش میانجی هوش اخلاقی

تفکیک سن به این صورت بود؛ ۲۳۵ نفر (۸۷٪) در گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال، ۲۴ نفر (۸/۹٪) در گروه سنی ۲۶ الی ۳۰ سال و ۱۱ نفر (۴/۱٪) در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال. ابزار مورد استفاده در این پژوهش از نوع پرسشنامه بوده که به شرح ذیل می‌باشند.

۱- پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲): این پرسشنامه اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین وی که بر اساس ۳ الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین ساخته شده است. فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویی و روش نمره گذاری لیکرت است که ده ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق (سهلگیرانه یا غفلت)، ده ماده به شیوه استبدادی (دیکتاکوری)<sup>۱۴</sup> و ده ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی (مقتدرانه یا دموکراتیک) والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود.

میزان پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سبک سهل-گیر، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای مقتدرانه گزارش شده است. ثبات درونی مقیاس حاضر بر اساس داده‌های این پژوهش به روش

## روش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادی بوده و از آنجا که به تبیین نقش واسطه‌ای هوش اخلاقی در رابطه بین سبک فرزندپروری ادراک شده با اعتیاد به اینترنت پرداخته، یک پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. به دلیل وجود یک متغیر میانجی گر مدلی ارائه شد که برای تعیین برآزش این مدل ارائه شده، از روش تحلیل مسیر استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد کلیه دانشگاه‌های استان قزوین در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بود. بر اساس اصل «هرچه بیشتر، بهتر» تاکنیک و فیدل (۱۴)، ۲۷۰ نفر از این دانشجویان به عنوان نمونه، به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. از این میان ۱۷۱ نفر (۶۳/۳٪) دانشجوی دختر و ۹۹ نفر (۳۶/۷٪) دانشجوی پسر بودند. که از مجموع آنها نیز ۲۵۱ نفر (۹۳٪) در مقطع کارشناسی و ۱۹ نفر (۷٪) در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. همچنین فراوانی نمونه‌ی مورد مطالعه به



سوال چهار بعدی کلی و هر سوال، بر روی طیف ۵ درجه ای لیکرت از کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱ ارائه شد. این سوالات به صورت مساوی بین ۱۰ بعد زیر مجموعه هوش اخلاقی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، پاسخگویی، خود کنترلی و خود محدودسازی، خدمت به دیگران، مهربانی، رفتار شهروندی و درک نیازهای روحی خود، تقسیم شده و هر شایستگی دارای ۴ سوال می باشد. همچنین این ده شایستگی به چهار دسته کلی تحت عنوان ابعاد کلی هوش اخلاقی شامل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی تقسیم می شود. پایایی این پرسشنامه در مطالعه‌های پیشین بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد همچنین روایی سازه این ابزار، از طریق تحلیل عاملی تاییدی مورد تایید قرار گرفته است. ثبات درونی این مقیاس نیز بر اساس داده‌های پژوهش به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه گردید (۱۸).

ابتدا هر سه پرسشنامه در قالب یک پرسشنامه‌ی سه بخشی تکثیر و در اختیار دانشجویان قرار گرفت. سپس توضیحات لازم جهت جلب همکاری و پر کردن پرسشنامه به دانشجویان ارائه شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و محاسبه نمرات هر آزمودنی، با استفاده از نرم افزار ایموس (AMOS)، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. روش آماری استفاده شده برای آزمون فرضیه‌ی پژوهش، روش همبستگی برای بررسی رابطه بین متغیرها بود. همچنین در بخش استنباطی از تحلیل مسیر و آزمون سوبل (Sobel Test) جهت بررسی اثر متغیر میانجی هوش اخلاقی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و اعتیاد اینترنتی، برای نشان دادن برازش مدل ارائه شده، استفاده شد.

### یافته‌ها

نتایج جدول زیر نشان داد که شاخص‌های برازش مدل در مجموع از وضعیت مطلوبی بهره‌مندند و بنابراین پاسخ به فرضیات پژوهش بلامانع بود. در ادامه ضرایب مسیر استاندارد شده و استاندارد نشده مدل ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های برازش مدل

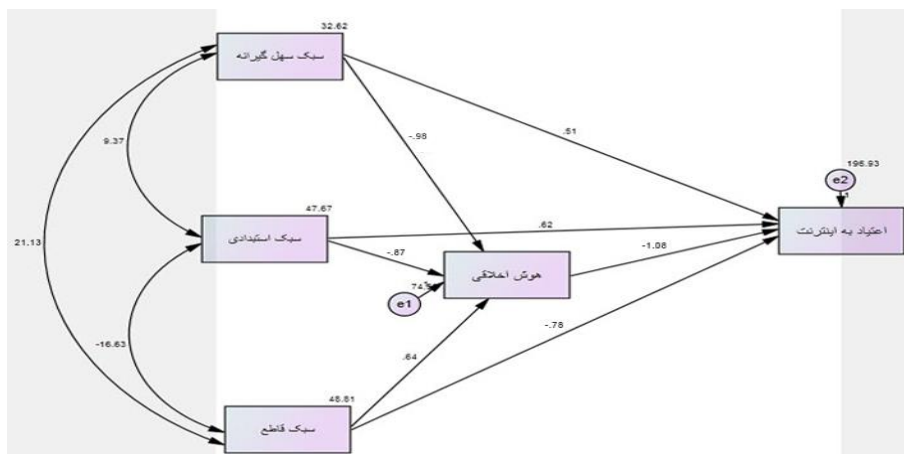
شاخص‌های برازش		نام شاخص
مقدار	حد مجاز	
۲/۳۷	کمتر از ۳	$\chi^2$ df
۰/۰۴	کمتر از ۰/۱	ریشه میانگین خطای برآورد (RMSEA)
۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹	CFI (بrazندگی تعدیل یافته)
۰/۹۴	بالاتر از ۰/۹	NFI (بrazندگی نرم شده)
۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹	GFI (نیکویی برازش)
۰/۹۵	بالاتر از ۰/۹	AGFI (نیکویی برازش تعدیل شده)

آلفای کرونباخ برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۴ برای سبک استبدادی ۰/۷۸ و برای سبک قاطع ۰/۷۶ محاسبه گردید. در کل نتایج بدست آمده از مطالعات خارجی و داخلی اعتبار و روایی پرسشنامه فرزندپروری را مورد تأثیر قرار می دهند. ثبات درونی مقیاس حاضر بر اساس داده‌های این پژوهش به روش آلفای کرونباخ برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۴ برای سبک استبدادی ۰/۷۸ و برای سبک قاطع ۰/۷۶ محاسبه گردید (۱۵).

۲- پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ (۲۰۱۱): پرسشنامه یانگ در سال ۱۹۹۸ توسط کیمبرلی یانگ ساخته شد و یکی از معتبرترین پرسشنامه‌ها در زمینه اعتیاد اینترنتی می‌باشد. این پرسشنامه با بیست پرسش طراحی شده و به روش لیکرت نمره گذاری می شود. گزاره‌های این آزمون بر اساس ملاک های DSM-IV-TR برای تشخیص قماربازی بیمارگونه<sup>۱۵</sup> طراحی شده است. نمرات به دست آمده برای هر فرد، وی را در سه زمینه طبقه‌بندی می‌کنند: کاربر عادی اینترنت (عدم اعتیاد)، کاربری که در اثر استفاده زیاد دچار مشکلاتی شده است (در معرض اعتیاد) و کاربر معتاد که استفاده بیش از حد (معتاد به اینترنت)، وی را وابسته کرده و نیاز به درمان دارد.

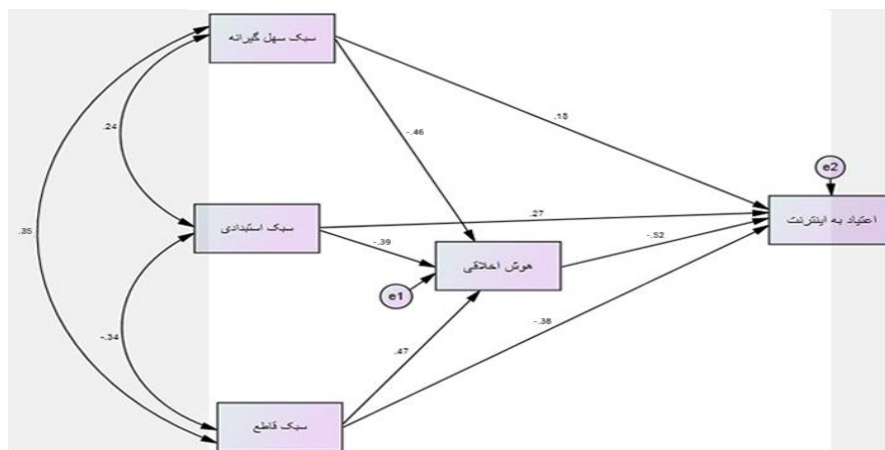
روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال در مطالعه‌ای با عنوان بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ، روایی صوری این پرسشنامه را بسیار بالا ذکر کرده‌اند. همچنین از طریق تحلیل عوامل، شش عامل برجستگی، استفاده بیش از حد، بی‌توجهی، به وظایف شغلی، فقدان کنترل، مشکلات اجتماعی و تأثیر بر عملکرد را بدست آوردند که همه اینها نشان دهنده ثبات درونی و روایی آن است. در مطالعات یانگ و همکاران، پایایی درونی پرسشنامه بالاتر از ۰/۹۲ ذکر شده است و پایایی به روش بازآزمایی نیز معنادار گزارش شده است. شاخص ثبات درونی این پرسشنامه بر اساس داده‌ها به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ محاسبه گردید (۱۶)، (۱۷).

۳- پرسشنامه هوش اخلاقی لیک و کییل (۲۰۱۱): این پرسشنامه جهت آزمون میزان هوش اخلاقی توسط لیک و کییل و در قالب ۴۰



نگاره ۲: مدل در حالت ضرایب استاندارد نشده

مدل در حالت ضرایب استاندارد نشده معادل با وزن‌های رگرسیونی است که بر اساس آن می‌توان نمرات خام را محاسبه کرد.



نگاره ۳: مدل در حالت ضرایب استاندارد شده

همان فرضیه‌های پژوهش هستند، در ادامه به همراه جداول اثرات مستقیم به آزمون فرضیات پژوهش پرداخته شده است.

مدل در حالت ضرایب استاندارد شده معادل بین مثبت یک و منفی یک محدود می‌شود و برای نشان دادن قدرت و جهت رابطه از آن استفاده می‌شود. با توجه به اینکه در مدل آزمون شده، مسیرهای بین متغیرها

جدول ۲: ضرایب و معناداری اثرات مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر اعتیاد اینترنتی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	$\beta$ استاندارد شده	t	sig
اعتیاد اینترنتی	سبک سهل گیرانه	مستقیم	۰/۵۱	۰/۱۸	۳/۱۴	۰/۰۰۳
اعتیاد اینترنتی	سبک استبدادی	مستقیم	۰/۶۲	۰/۲۷	۳/۶۱	۰/۰۰۱
اعتیاد اینترنتی	سبک قاطع	مستقیم	-۰/۷۸	-۰/۳۸	۴/۰۳	۰/۰۰۱

آنچه از نتایج جدول فوق برمی‌آید این است که سبک‌های فرزندپروری بر اعتیاد اینترنتی تأثیر معنادار داشته است. رابطه سبک سهل گیرانه با اعتیاد اینترنتی به صورت مستقیم برابر ( $t=۳/۱۴$  و  $\beta=۰/۱۸$ )، رابطه سبک استبدادی با اعتیاد اینترنتی به صورت مستقیم برابر ( $t=۳/۶۱$ ) و رابطه سبک قاطع با اعتیاد اینترنتی به صورت مستقیم برابر ( $\beta=۰/۲۷$ )

بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با اعتیاد اینترنتی با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۳: ضرایب و معناداری اثرات مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر هوش اخلاقی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	$\beta$ استاندارد شده	t	sig
هوش اخلاقی	سبک سهل‌گیرانه	مستقیم	-۰/۹۸	-۰/۴۶	۴/۶۱	۰/۰۰۱
هوش اخلاقی	سبک استبدادی	مستقیم	-۰/۸۷	-۰/۳۹	۴/۱۱	۰/۰۰۱
هوش اخلاقی	سبک قاطع	مستقیم	۰/۶۴	۰/۴۷	۴/۶۳	۰/۰۰۱

آنچه از نتایج جدول شماره ۳ به دست می‌آید که سبک‌های فرزندپروری بر هوش اخلاقی تأثیر معنادار داشته است. رابطه سبک سهل‌گیرانه با هوش اخلاقی به صورت مستقیم برابر ( $t=4/61$  و  $\beta=-0/46$ )، رابطه سبک استبدادی با هوش اخلاقی به صورت مستقیم برابر ( $t=4/11$  و  $\beta=-0/39$ ) و رابطه سبک قاطع با هوش اخلاقی به صورت مستقیم برابر ( $t=4/63$  و  $\beta=0/47$ ) است. بنابراین فرضیه مطرح‌شده در ارتباط با وجود رابطه بین هوش اخلاقی با اعتیاد اینترنتی با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت (جدول ۵).

از نتایج جدول شماره ۳ به دست می‌آید که سبک‌های فرزندپروری بر هوش اخلاقی تأثیر معنادار داشته است. رابطه سبک سهل‌گیرانه با هوش اخلاقی به صورت مستقیم برابر ( $t=4/61$  و  $\beta=-0/46$ )، رابطه سبک استبدادی با هوش اخلاقی به صورت مستقیم برابر ( $t=4/11$  و  $\beta=-0/39$ ) و رابطه سبک قاطع با هوش اخلاقی به صورت مستقیم برابر ( $t=4/63$  و  $\beta=0/47$ ) است. بنابراین فرضیه مطرح‌شده در ارتباط با وجود رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با هوش اخلاقی با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۴: ضرایب و معناداری اثرات مستقیم هوش اخلاقی بر اعتیاد اینترنتی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	$\beta$ استاندارد شده	t	sig
اعتیاد اینترنتی	هوش اخلاقی	مستقیم	-۱/۰۸	-۰/۵۲	۵/۳۱	۰/۰۰۱

جدول ۵: ضرایب و معناداری اثرات غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری بر اعتیاد اینترنتی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	$\beta$ استاندارد شده	آماره سوبل	sig
اعتیاد اینترنتی	سبک سهل‌گیرانه	به واسطه‌ی هوش اخلاقی	۱/۰۵	۰/۲۴	۲/۸۹	۰/۰۰۲
اعتیاد اینترنتی	سبک استبدادی	به واسطه‌ی هوش اخلاقی	۰/۹۳	۰/۲۱	۲/۷۴	۰/۰۰۲
اعتیاد اینترنتی	سبک قاطع	به واسطه‌ی هوش اخلاقی	-۰/۶۹	۰/۲۵	۲/۹۱	۰/۰۰۲

## بحث

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و جداول نشان دادند که شاخص‌های برازش مدل در مجموع از وضعیت مطلوبی بهره‌مند و بنابراین پاسخ به فرضیات پژوهش بلامانع بود. این یافته‌ها مشخص نمودند، هوش اخلاقی فاکتور میانجی بین شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده<sup>۱۶</sup> و اعتیاد به اینترنت است، به این معنی که سبک استبدادی فرزندپروری والدین پیش‌بینی‌کننده سطح پایین هوش اخلاقی جوانان و سطح پایین هوش اخلاقی پیش‌بینی‌کننده اعتیاد اینترنتی آنها می‌باشد. همچنین در سبک سهل‌گیر فرزندپروری، سطح پایینی از هوش اخلاقی، احتمال اعتیاد به اینترنت را در دانشجویان افزایش می‌دهد. به علاوه می‌توان عنوان کرد که دانشجویان بدون اعتیاد به اینترنت، نتیجه سطح بالایی از هوش اخلاقی بوده که حاصل سبک فرزندپروری مقتدرانه (اقتدار منطقی) والدین آنها می‌باشد.

نوجوانان و جوانان می‌شود. فرزندان والدین مقتدر، مستقل، پیگیر، مسئولیت‌پذیر و با اعتماد به نفس هستند. تصمیمات فرزندان والدین مقتدر، عاقلانه است. فرزندپروری مقتدر، صلاحیت‌های مثبت و مهارت‌های اجتماعی مناسب را در کودکان پرورش می‌دهد (۱۹). فرزندان والدین مقتدر، نسبت به فرزندان والدین مستبد و والدین بی‌توجه، مشکلات رفتاری کمتری نشان می‌دهند (۱۹-۲۱). آنها کودکانی تربیت شده و با اعتماد به نفس هستند که به خود و دیگران احترام می‌گذارند و خود کنترلی از خودشان نشان می‌دهند. آنها هنگام رسیدن به جوانی و بزرگسالی کمتر سرکشی می‌کنند و کمتر رفتارهای پرخطر از خود نشان می‌دهند (۲۲).

همچنین، کودکان و نوجوانان با سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین، در رفتارهای روزمره خود به خوبی و مطمئن رفتار می‌کنند، آنها هدفمند و خودگردان هستند، از راهکارهای مقابله با استرس بهتر استفاده می‌کنند و با آرامش در رفع مشکلات تلاش می‌کنند. آنها به بزرگسالان و مراجع قدرت احترام می‌گذارند و به دور از ایجاد چالش و نافرمانی با دیگران رفتار می‌کنند و در برخورد با مسائل روزمره سازگارند. این خصوصیات به آنها کمک می‌کند تا در مواجهه با پدیده‌ای مانند اینترنت، معقول رفتار کنند و به استفاده مشکل‌ساز از اینترنت روی نیاورند. در طرف مقابل،

سبک‌های فرزندپروری، نحوه تعاملات والدین با فرزندان هستند. اگر این تعاملات بر پایه گفتگومحوری باشد که ویژگی والدین دموکراتیک است با کنترل مناسب، محدودیت‌های منطقی، گرما و صمیمیت همراه خواهد شد و موجب ایجاد خودکنترلی، عزت نفس بالا، تحمل ابهام در

دکتر سمیه کشاورز و همکاران: رابطه سبک های فرزندپروری با اعتیاد به اینترنت: نقش واسطه‌ای هوش اخلاقی

های اخلاقی رابطه منفی و معنی داری دارد (۳۳). توانایی بخشیدن اشتباهات خود نیز، یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است که به فرد این توانایی را می‌دهد تا از تجربیاتش عبرت گرفته و برای آینده برنامه‌ریزی بهتری داشته باشد (۶). باورهای اخلاقی از عوامل محافظت‌کننده در سوء مصرف مواد و انواع اعتیاد می‌باشد (۳۴). بخشش، همدلی و خودکنترلی نیز از دیگر ابعاد هوش اخلاقی هستند که در کنترل رفتار نقش مهمی ایفا می‌نمایند (۶، ۳۱). شواهد پژوهش‌ها در سال‌های اخیر، این ادعا را که درمان‌های کوتاه مدت شناختی رفتاری<sup>۱۷</sup> برای درمان اعتیاد به اینترنت مؤثر بوده‌اند را نیز تایید می‌نمایند (۳۵، ۳۶).

در باب محدودیت های این پژوهش می‌توان گفت که به دلیل عدم دسترسی به تمامی والدین نمونه پژوهش، برای سنجش سبک‌های فرزندپروری، پرسشنامه‌ها توسط خود دانشجویان تکمیل گردد در نتیجه متغیر سبک‌های فرزندپروری به متغیر سبک‌های فرزندپروری ادراک شده تغییر کرد.

به منظور کسب دانش بیشتر و مطالعات عمیق تر در این باب می‌توان این پژوهش را در جامعه و نمونه‌های مختلف تکرار کرد و نتایج حاصل را مورد مقایسه قرار داد. به علاوه با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان تحقیقی طولی بر روی اعتیادپذیری جوانانی که از دوران کودکی تحت آموزش مؤلفه‌های هوش اخلاقی قرار می‌گیرند، انجام شود تا شیوه‌ها و راهکارهای مؤثر در توسعه و بهبود مؤلفه‌های هوش اخلاقی در فرهنگ ایرانی اسلامی شناسایی گردد.

همچنین پیشنهاد می‌شود یک روش درمانی برای افراد معتاد به اینترنت بر پایه آموزش و ارتقاء هوش اخلاقی در قالب تکنیک‌های CBT ایجاد شده و نتایج آن مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه می‌توان با آگاه نمودن والدین و آموزش یک شیوهی فرزندپروری اخلاق محور به آنها به منظور افزایش هوش اخلاقی در فرزندان، یک روش پیشگیری از اعتیاد به اینترنت ایجاد نمود.

### نتیجه گیری

همه کودکان با ظرفیت ذاتی جهت فراگیری هوش اخلاقی متولد می‌شوند و به وسیله آن، صفتهای شخصیتی آنها شکل می‌گیرد. بنابراین شاید بتوان گفت مهم‌ترین نکته در مبحث هوش اخلاقی همین است که این هوش کاملاً آموختنی و قابل فراگیری است و از طریق تعلیم و تربیت به کودکان منتقل می‌شود. بهترین زمان آموزش این خصوصیت نیز از زمان تولد تا اوایل جوانی است، یعنی همان دورانی که فرزندان در محیط خانواده تحت تاثیر شیوه‌ها و روش‌های تعامل و ارتباط با والدین قرار می‌گیرند. والدین بر پایه سبک‌های تعاملی و ارتباطی که دارند، از همان ابتدای زندگی کودک به عنوان اولین معلم، به آنها آموزش می‌دهند. تملق والدین در این زمینه، موجب ضعف بالقوه کودکان در یادگیری فضایل اخلاقی و ایجاد عادات مخرب می‌شود. والدینی که خود از نظر اخلاقی و ارزشی قوی و منطقی باشند، ارزش‌ها را به فرزندان

والدینی با شیوه فرزندپروری استبدادی قرار دارند. این والدین بسیار مطالبه‌گر هستند اما بسیار کم به نیازهای فرزندان پاسخ می‌دهند (۲۳). فرزندان این والدین استبدادی، به ترسو بودن، عزت نفس پایین، عدم خودانگیزگی و اعتماد یا وابستگی به مسائلی عجیب تمایل دارند (۲۴). علاوه بر این، فرزندان والدین استبدادی تمایل دارند که رفتارهای واقعی و یا حتی هویت دوستان خود را پنهان کنند، زیرا از اینکه توسط والدین تنبیه و مجازات شوند می‌ترسند، به همین دلیل، این والدین، اطلاعات زیادی در مورد رفتار و اعمال فرزندان در خلوت یا بیرون از خانه ندارند (۲۵). در شرایطی که محیط خانواده، عاری از عاطفه، گرما و صمیمیت، منطقی و خودمختاری باشد، فرزندان برای جبران کمبودها، به سادگی شیفته جذابیت‌های اینترنت می‌شوند.

برخی یافته‌های پژوهشی اخیر نیز نشان می‌دهند که بین سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر با استفاده اجباری از اینترنت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. ممکن است والدین مستبد و سهل‌گیر، به دلیل نداشتن قوانین و مقررات منطقی در خانواده و یا عدم آگاهی کافی از روش‌های صحیح نظارتی و فرزندپروری، استفاده اجباری از رایانه، تبلت، تلفن همراه و اینترنت را تبلیغ کنند، مانند زمانی که مادری سهل‌گیر از تلفن همراه برای آرام کردن کودک خود استفاده می‌کند، و یا پدری مستبد که به نوجوان خود دستور می‌دهد برای پیشرفت در تحصیل، به سراغ رایانه و اینترنت برود. در مورد والدین آسان‌گیر نیز باید گفت که آنها بسیار با محبت و خونگرم هستند اما قوانین ناقص و بسیار اندکی در خانه وضع می‌کنند و بدتر از آن، وقتی همان قوانین اندک توسط نوجوان زیر پا گذاشته شود، یا عواقبی ندارد و یا تنبیهات بسیار کمی در نظر گرفته می‌شود (۲۶). آنها در مورد خواسته‌های فرزندان سخت‌گیر نیستند و در حقیقت این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند تا اختیار امور را در دست بگیرند و آنها تصمیم‌گیرنده باشند (۲۷). این والدین به فرزندان خود آموزش نمی‌دهند که چگونه رفتار خود را کنترل کنند، بنابراین، فرزندان در سنین نوجوانی و بزرگسالی به سمت بروز رفتارها و اعمال نابالغانه حرکت می‌کنند. این سبک فرزندپروری اغلب ناشی از داشتن یک کودک پرخاشگر و سخت در خانواده است. بنابراین والدین تصمیم می‌گیرند که برای رضایت و خشنودی فرزندان خود هر کاری را که می‌توانند انجام دهند (۲۸).

آگاهی اخلاقی یکی از فاکتورهای مهم در شکل‌گیری هوش اخلاقی است و این آگاهی اخلاقی تحت تاثیر بسیاری از عوامل خارجی مانند خانواده، دوستان، تحصیلات، مذهب و محیط شغلی قرار دارد. صاحب نظران معتقدند، هوش اخلاقی کاملاً اکتسابی و آموزشی است. افراد دارای هوش اخلاقی بالا و خودکنترلی بالا، از قابلیت‌های تحمل ابهام و حل مسئله برخوردارند و در صورت بروز هیجانات منفی یا رفتارهای نامعقول، این قدرت را دارند تا اشتباهات خود را بپذیرند و برای جبران، راه‌حل و راهبردهای مقابله‌ای ارائه دهند (۲۹-۳۱). نتیجه یک پژوهش نشان داده است که هوش اخلاقی و اجتماعی در کاهش رفتارهای پرخطر در دانشجویان نقش مهمی ایفا می‌کند (۳۲). به علاوه مشخص شده است که اعتیاد به اینترنت با قلدری رابطه مثبت دارد و با ارزش



سبک فرزند پروری ادراک شده

## 16. Behavioral Cognitive Therapy (CBT)

درمان شناختی رفتاری

## References

- Kumar, M و Mondal A. (2018). A study on Internet addiction and its relation to psychopathology and self-esteem among college students. *Industrial Psychiatry Journal*; 27(1): 61-66.
- Jiang Q. (2019). Internet addiction among cyberkids in China: risk factors and intervention strategies. Singapore: Springer Nature Ltd.
- Baumrind D. (2008). Parental authority and its effects on children. *Parenting for Moral Growth*; 1(2): 1-6.
- Van Den Eijnden RJ, Spijkerman R, Vermulst AA, Van Rooij TJ, Engels RC. (2010). Compulsive Internet use among adolescents: Bidirectional parent-child relationships. *Journal of Abnormal Child Psychology*; 38(1): 77-89.
- Chou C, Lee YH. (2017). The moderating effects internet parenting styles on the relationship between internet parenting behavior, internet expectancy, and internet addiction tendency. *The Asia-Pacific Education Researcher*; 26 (3,4): 137-146.
- Lennick D, Kiel F. (2011) Moral intelligence 2.0: enhancing business performance and leadership success in turbulent times. USA: Pearson Prentice Hall, Upper Saddle River.
- Ranjbar, Najmeh (2018). The relationship between parenting styles and personality traits in married women in Prediction of addiction to internet based on parents upbringing methods and teacher leadership Abadeh Tashk. [M.A. Thesis]. Iran: Islamic Azad University of Marvdasht. (In Persian)
- Amiri AA. (2017). Style among third grade high school students The academic year 1395-1396. [M.A. Thesis]. Iran: Payame noor University of Kermanshah, Iran. (in Persian)
- Throuvala MA, Griffiths MD, Rennoldson M, Kuss DJ. (2019). School-based prevention for adolescent internet addiction: Prevention is the key. *Current Neuropharmacology*; 17(6): 507-525.
- Li S, Lei H, Tian L. (2018). A meta-analysis of the relationship between parenting style and internet addiction among mainland Chinese teenagers. *Social Behavior and Personality*; 12: 1-10.
- Tur-Porcar A. (2017). Parenting styles and Internet use. *Psychology and Marketing*; 34(11): 1016-1022.
- Sau Ting Wu C, Wong HT, Yu KF, Fok KW, Yeung SM, Lam CH, Liu KM. (2016). Parenting approaches, family functionality, and internet addiction amount Hong Kong Adolescents. *BMC Pediatrics*; 16: 130.
- Alizadeh Z. (2018). Relationship between moral intelligence and emotional intelligence with ethical behavior. *Ethics in science and Technology*; 13 (2):167-175 (in Persian).

منتقل کرده و فرزندان نیز ارزش‌ها را با خود به جامعه برده و زندگی مستقل را آغاز می‌کنند.

پرورش یا تقویت هوش اخلاقی بهترین فرصت است که فرزندان در مسیر درست گام بردارند و بتوانند علاوه بر درست فکر کردن، درست هم عمل کنند. بنابراین برای دور ماندن از خطر وابستگی به پدیده‌ای بسیار جذاب و بی‌پایان مانند اینترنت، در دوران حساس نوجوانی و جوانی، می‌بایست هوش اخلاقی را به عنوان یک سیستم راه‌یابی اخلاقی انسان، تقویت نمود. برای تحقق این خواسته، یک راه آن است که شیوه‌های فرزندپروری مناسب و منطقی را به والدین آموزش داد تا آنها بتوانند با مطالبه‌گری عاقلانه و پاسخ‌دهی مناسب، فرزندان خود را از معضلاتی مانند اعتیاد اینترنتی مصون بدارند، که این برنامه آموزشی برای والدین را می‌توان ایده‌آل‌ترین برنامه تربیتی-پیشگیرانه در نظر گرفت. با این وجود ممکن است که اختلال اعتیاد اینترنتی در سنین نوجوانی و جوانی بروز کرده و تشخیص داده شود که در این صورت می‌توان، آموزش، تمرین و تقویت هوش اخلاقی در این افراد را به عنوان یک نوع درمان یا تکنیک‌های درمانی در انواع دیگر درمان مانند درمان شناختی-رفتاری، برای این اختلال در نظر داشت.

## ملاحظه های اخلاقی

در راستای انجام پژوهش حاضر براساس اخلاقیات پژوهشی، تمام اطلاعات شخصی و پاسخ شرکت کنندگان در پژوهش کاملاً محرمانه باقی ماند. همچنین با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حقوق معنوی مالکین آثار محترم شمرده شده است.

## واژه نامه

- |   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| 1. Internet Addiction   | اعتیاد به اینترنت                     |
| 2. Withdrawal syndrome  | سندرم ترک (علائم ترک)                 |
| 3. Parenting Styles   | سبک‌های فرزندپروری                    |
| 4. Moral Intelligence   | هوش اخلاقی                            |
| 5. Cognition  | شناخت                                 |
| 6. Metacognitive  | فراشناخت                              |
| 7. Meta-practical   | فرا عملی                              |
| 8. Authoritative Parenting Style                                  | سبک فرزند پروری مقتدرانه یا دموکراتیک |
| 9. Uninvolved or Neglectful Parenting Style                       | سبک فرزند پروری سهلگیرانه یا غفلت     |
| 10. Meta-analysis   | فرا تحلیل                             |
| 11. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5) | راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی |
| 12. Digital Natives   | بومیان دیجیتال (نسل دوران فناوری)     |
| 13. Authoritative Parenting Style                                 | سبک فرزند پروری استبدادی              |
| 14. Gambling Disorder   | قماربازی بیمارگونه                    |
| 15. Perceived Parenting Style                                     |                                       |



26. Woolfolk A. (2010). Educational psychology. 11th ed. Upper Saddle River: Pearson.
27. Robbins H. (2012). The everything parent's guide to raising a gifted child: All you need to meet your child's emotional, social and academic needs. Avon/MA: F+W Publishing.
28. Nease L, Austin MW. (2010). Fatherhood - philosophy for everyone: The Dao of daddy. Malden/M A: BlackWell.
29. Borba M. (2001). The step by step plan to building moral intelligence, Nurturing Kids Heart and Souls, National Educator Award, National council of self-esteem. Jossey-Bass Publishers.
30. Borba M. (2003). Building moral intelligence: the seven essential virtues that teach kids to do the right thing. USA: Jossey-Bass Publishers.
31. Borba M. (2005). Moral intelligence. National Educator Award. National council of self-esteem. Jossey-Bass.
32. Khaleghi N, Chenari M. (2016). The relationship between moral intelligence and altruism. Ethics in Science and Technology; 4 (10): 55-63.
33. Shahbazian Khonigh A, Hasani A, Soleymani S. (1397). Investigating the role of moral and social intelligence in high-risk behaviors of students of Kurdistan University of Medical Sciences in the academic year of 1995-96. Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences; 4 (17). (In Persian)
34. Riazi Z. (2020). Prognosis of internet addiction based on ethical values and bullying. Ethics in Science and Technology: 14 (5) :199-203 (In Persian)
35. Vantieghem W, Vermeersch H, Houtte M. (2014). Transcending the gender dichotomy in educational gender gap research: The association between gender identity and academic self-efficacy. Contemporary Educational Psychology; 39: 369-378.
36. Wölfling K, Müller KW, Dreier M, Ruckes C, Deuster O, Batra A, Beutel ME. (2019). Efficacy of short-term treatment of internet and computer game Addiction: A Randomized Clinical Trial. JAMA Psychiatry; (76): 1018-1025.
37. Lindenberg K, Kindt S, Janocha CS. (2020). Internet addiction in adolescents. the protect program for evidence-based prevention and treatment. Switzerland AG: Springer Nature.
14. Tabachnick BG, Fidell L. (2013). Using multivariate statistic. 6th ed. UK/London: Pearson Publisher.
15. Minaey A, Nikzad S. (2017). Factor structure and validity of the Persian version questionnaire responded the Baumrind's Parenting Styles. Journal of Family Research Quarterly; 13(49) (In Persian)
16. Young KS, Nabuco de Abreu C. (2011). Internet addiction: A handbook and guide to evaluation and treatment. New Jersey: John Wiley & Sons, Ins.
17. Kajbaf MB, Kooraki M, Safarian Z. (2014). Comparison of psychological disorders of addicted students and normal Internet users in the University of Isfahan. Hormozgan Medical Journal; 2 (18): 169-176. (In Persian)
18. Arasteh HR, Azizi Shemami M, Jafari Rad A, Mohamadi Jozani Z. (2010). A Survey of Students' Moral Intelligence. Journal of Culture Strategy Quarterly; 11: 201-204. (In Persian)
19. Crosser S. (2005). What do we know about early childhood education? Research-based practice. Clifton Park, NY: Thomson Deimar Learning.
20. Garcia F, Gracia E. (2009). Is always authoritative the optimum parenting style? Evidence from Spanish families. Adolescence, National Library of Medicine; 44(173): 101-131.
21. Querido JG, Warner TD, Eyberg SM. (2002). Parenting styles and child behavior in African American families of preschool children. Journal of Clinical Child Psychology; 31(2): 272-277.
22. Douglas A. (2004). The mother of all parenting books: the ultimate guide to raising a happy, healthy child from preschool through preteens. Hoboken/NJ.: Wiley.
23. Sclafani JD. (2004). The educated parent - recent trends in raising children. (Child Psychology and Mental Health). Westport/CT: Greenwood.
24. Rosenthal M. (2009). The 4 parenting styles: What works and What doesn't. API's 2017 Annual Appeal Campaign with a Financial Contribution. <http://theattachedfamily.com/membersonly/?p=2151>
25. Davies D. (2011). The family environment. In: Working with adolescents: A guide for practitioners. Edited by J.A. Laser and N. Nicotera. New York, NY: Guilford: 71-93.